

جنگ آب و انرژی !

رشاد - مصطفی سلطانی
سوم ژولای ۲۰۱۸

دکتر امیر حسن پور: " جنبش کمونیستی در ایران همگون و یکدست نبوده و حق تعیین سرنوشت را برای ملت کرد، فقط در حرف قبول دارند."

- ۱- آیا شهروندان و احزاب کردستان، در زمینهی حجم آب، انرژی و برقی که از سدهای کردستان تامین میگردد، کماکان اطلاعاتی ندارند؟
- ۲- آیا اساساً شهروندان کردستان مطلع هستند که آب ذخیره شده در سدها، انرژی برق و ماهی های پرورشی داخل سدها، به چه مناطق دیگری دور از کردستان ارسال و بفروش میرسند و یا هدایت میگردند؟
- ۳- چرا کنترل و هدایت نیروی برق و کلیدهای این انرژی در خارج از کردستان تعبیه شده اند، و شهروندان کردستان هیچگونه اختیاری در کنترل آب سدها و نیروی عظیم برق را ندارند، در حالیکه طبق قراردادهای میثاقهای بین المللی صاحبان و مالکین اصلی این ثروت و سرمایه شهروندان کردستان هستند؟

* بلاشک جنگ آب و انرژی و تاراج این سرمایه، ویران و داغان کردن وحشتناک " محیط زیست " از طرف اشغالگران بر شهروندان کردستان تحمیل گردیده و لازم است که، این جنگ در قالب و سیمای مبارزات و نافرمانی های مدنی در دستور و برنامهی شهروندان و سپس احزاب قرار گیرد!

جوامع گوناگون در پهنهی کردستان شایستهی مردم سالاری و حاکمیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش بوده و توانائی کامل در اداره مناطق خویش را دارند. این توانائی به شیوهی در استقرار " کانتون " های غرب کردستان سال ۲۰۱۶ تجربه شده و در آن فاز تاریخی کاملاً موفق بوده است. در جنگ سندهج سال ۵۹ ارگانی دمکراتیک و انقلابی بنام " بنکها " ایجاد گردید، که بدون در نظر گرفتن سمت و سوی سیاسی و گرایش فکری، همهی انقلابیون و دگر اندیشان را در زیر چتر خویش گرد آورده بود و توانائی های عظیمی را بنمایش گذاشت. در شهر بوکان سال ۵۹ همه احزاب و گروه های سیاسی با خط مشی های متفاوت، به دمکراسی احترام گذاشته و در بستر همزیستی مسالمت آمیز شهر را اداره کرده و آزادی بیان و نبود سانسور سیمای شهر را متحول کرده بود. در شمال کردستان شهردار هامدتیست از طرف مردم انتخاب میشوند و در خدمات به شهروندان و احترام به رای توده های مردم موفق هستند. و اکنون ساکنین شمال کردستان به نمایندگان صادق و مبارز و انقلابی خویش رای داده و عازم پارلمان هستند. و در مجموع ساختار اجتماعی و سیاسی کردستان ظرفیت پذیرش حاکمیت شورائی و مردم سالاری و جدائی دین از دولت و رنسانسی فرهنگی را دارد. حتی میتواند الگو و نمونه های پیشرو و دمکراتیک برای ساکنین خاورمیانه باشد.

آب، وسیله و ابزار تولید است. حیات نباتی و گیاهان، پیش شرط حیات حیوانی و انسانی است. در جوار جنگ های روانی و خونین و سرکوب سیستماتیک ملت کرد، محافظت نکردن از محیط

زیست و سیاست های مخربانه‌ی سیاستمداران و حاکمان نالایق در خاورمیانه، سبب ویران شدن محیط زیست کردستان گردیده است. این ویرانی و نابودی محیط زیست در سرزمین کردستان بعلت سیاست های اشغالگرانه، در واقع مضاعف و خیلی مخرب تر و وحشیانه تر می باشند. خشک سالی های مکرر و بیابانی بودن این کشور ها، بطور اتوماتیک اشغالگران را حول اتحادی ارتجاعی جمع می کند و این اتحاد در وهله‌ی اول بضرر ساکنین کردستان است. چشمه‌سار های فراوان در ارتفاعات زاگروس، در تپه ماهورها، در جلگه ها و، در دره‌های عمیق بسوی رودخانه ها و دریاها سرازیر شده و بالانس اکوسیستم کردستان را نگه داشته و ضمانت می نمایند. علاوه بر این منابع جاری، رودخانه‌های بزرگ مانند زاب بزرگ و کوچک، خاپور، دیاله، سفید رود، سیمینه رود. زرینه رود، گاو رود و سیروان مسیری طولانی را طی نموده و مزارع و سرزمین های وسیعی را مشروب می سازند. زدن چاه های عمیق، هیچگونه سازگاری با میزان مصرف آب نداشته و اساساً این چاه ها بشیوهی علمی حفرو کنده نشده‌اند. و در حقیقت سنخیت و توازن و بالانسی با توپولوژی، مورفولوژی و جیولوژی مناطق و میزان بارندگی و برف ندارند. حجم آب ذخیره شده در سفره های زیر زمینی را مخصوصاً در سرزمین کردستان بشدت کاهش داده است. مصرف مواد پتروشیمی و مشتقات نفتی و انرژیهای گوناگون و فسیلی توسط کشورهای چین، آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، بریتانیا، ژاپن، استرالیا، کانادا، هندوستان، برزیل، کره‌ی جنوبی، پاکستان و سایر کشورهای صنعتی لایه‌های محافظ دور کره زمین را نازک و شکننده کرده‌است. نتیجه‌ی طبیعی آن، افزایش گرمای زمین می باشد. لایه‌های انبوه برف در قطب ها در پروسه‌ای نه چندان کند ذوب میشوند و، بالانس محیط زیست را بهم زده است. افزایش جمعیت، مصرف مواد خوراکی و مصرف هورمون ها و مواد شیمیایی و پتروشیمی در کشاورزی و پرورش دام ها، حمله به محیط زیست را مضاعف و دو چندان سرعت بخشیده است. در این رهگذر مصارف آب های روان، نهر ها، رودخانه‌ها، دریاچه ها و خصوصاً آب های زیر زمینی و، رعایت نکردن اصول علمی و گلوبال بسرعت ادامه دارد. اشغالگران با دخالت های بیمورد و چاره اندیشی های سطحی و ساختن سدها، در عمل مسیر طبیعی رودخانه ها و چشمه‌سار ها را منحرف کرده‌اند. و منابع آب و اکوسیستم را با تلاطم و نابودی روبرو ساخته‌اند. موقعیت استراتژیک و کوهستانی قسمت اعظم خاک کردستان چنان از نقطه نظر توپولوژی جایگاه خاصی به این منطقه داده، که مختصات ممتازی را به ذخیره آب در سفره‌های زیرزمینی کردستان داده‌است. چشمه ها، رودخانه‌ها، ذخیره عظیم برف زمستانی، نشیب و فراز کوهستان ها، خالق رودخانه های پر اعوجاج و طولانی شده، که در مسیر خویش آبیاری مزارع وسیعی را تامین کرده‌است. آب فراوانی از کوهستان ها و جلگه ها و دشت ها و سرایشی های کوهستانها سرازیر شده و بطرف دریا روان و جاری هستند. کمبود آب در مناطق جنوبی و مرکزی ایران، مناطق وسیعی از کشور عراق که در عمل امکان استفاده بشیوهی کلاسیک و سنتی از دو رودخانه‌ی دجله و فرات ناممکن بوده، مناطق وسیعی از کشورهای ترکیه و سوریه نیاز مبرم و فراوانی به آب سرزمین کردستان دارند. اگرچه جمهوری اسلامی ایران سدها و آب بندهای مختلفی در شرق کردستان ساخته و درست کرده و آب زیادی را ذخیره نموده، اما بمناطق دیگر ایران هدایت شده و سهم ساکنین کردستان از منابع آبی و انرژی برق در سطح پائینی بوده و همزمان کنترل انرژی برق را برای ادامه‌ی هژمونی سیاسی و سرکوب بخارج از کردستان انتقال داده اند. در حقیقت با این مواضع، تاکتیک ها و سیاست های نابخردانه‌ی دولتمردان ایران از هم اکنون جنگ " آب و انرژی " بر علیه مردم کردستان را اعلام نموده و پراکتیک شده‌است، همین پروسه در جنوب کردستان جریان دارد اما بسان شرق کردستان در سطح وحشتناکی نبوده و نیست. مال اندوزی و بازرگانی و تجارت و دزدی توسط احزاب در جنوب کردستان، این فرصت تاریخی را از آنها گرفته و حکومت مرکزی عراق با پروژه‌های دراز مدت منابع آب جنوب کردستان را بشیوه‌های مختلف مورد استفاده قرار می دهد. با وجودیکه دو رودخانه‌ی پر آب دجله و فرات بسوی جنوب عراق سرازیر بوده و جاری هستند اما در مناطقی امکان استفاده با شیوه‌ها و روشهای کلاسیک از این رودخانه‌ها وجود ندارد و، برای زارعین عراقی آسان نبوده و ممکن نیست. لذا با ایجاد سدهای

انحرافی ، امکان بهره برداری از آب های واقع در جنوب کردستان را میسر می سازند . در جوار جنگ آب ، منابع عظیم ماهی که بطور طبیعی در دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و نهرها بصورت طبیعی پرورش می یابند را نیز باید در مرکز ثقل این تاراجها و غارت‌های سرزمین کردستان قرار داد .



* چشمه سار " بل " که در هورامان و شرق کردستان واقع شده و آب آن به یغما می‌رود. همزمان در اکثر موارد جنگل های کردستان ، در راستای مبارزه باجنبشهای مدنی و عدالتخواهی و نیروهای پارتیزان و پیشمرگه و بطور آگاهانه و عمد از طرف نیروهای دشمن ، آتش زده میشوند . که این سرمایه را نابوده ساخته و درکنار این ویرانی، پرندگان، خزندگان، و جانوران وحشی که در سیستم اکولوژی بی نهایت ، نقشی حیاتی و تاثیر گذار دارند ، لانه و کاشانه‌شان خراب و مجبور به کوچ شده‌اند . در جریان کوچ . شکار و نابود و به یقین منقرض می شوند . کم آبی نه تنها ، حیات نوع بشر را به پرتگاه می برد ، در جوار آن خالق مناطق شوره‌زار بوده ، که توده‌ی عظیمی از نمک را در هوا پخش و روی زمین های کشاورزی می گستراند . که در دراز مدت کشاورزی را بشکست کشانیده و، یک پرپود خشکسالی را بر زندگی مردم تحمیل می نماید .

اهمیت آب در حیات انسانی بگونه‌ایست که برای نمونه درسال ۱۹۶۷ میلادی اسرائیل بلندی های جولان را گرفت و ان را برای امنیت اسرائیل یک قلمرو استراتژیک ارزیابی کرده‌است . یک سوم آب آشامیدنی اسرائیل از ارتفاعات جولان تامین می گردد . یک چهارم شرابه‌ای اسرائیلی از تاکستان های جولان تامین و درست میگردد . بین سی در صد تا پنجاه در صد میوه و سبزیجات مصرفی اسرائیل ، در جولان پرورش و برای شهروندان وارد بازار های اسرائیل میگردد . در شبانه روز در ارتفاعات جولان بولدزرها ، مهندسین و کارشناسان اسرائیلی بشدت مشغولند و نفت خام کشف میگردد و، انرژی مطلوبی برای صنایع اسرائیل بشمار می آید . اسرائیل برای دسترسی به منابع آب ، کوه هرمون را اشغال کرده و دسترسی نامحدود به منابع آب رودخانه‌ی کشور اردن را نیز پیدا کرده‌است . تلاش های اسرائیل علاوه بر جنبه‌ی تجاوز به ملتها و کشور های همجوار، تامین زندگی آسوده برای ساکنین کشور و شهرک های مستعمره نشین یهودی می باشد . یقیناً امروز و فردا مشکل آب و جنگ آب در خاورمیانه ، بر ساکنین کردستان تحمیل خواهد شد. در این رابطه باید از مین گذاری سرزمین ها ، جنگل ها ، معابر کوهستانی ، جلگه‌ها و میدان های جنگ با مین های مخرب اشغالگران صحبت کرد . بیسوادی و عدم درک محیط زیست از طرف بومیان و مردم محل و شهروندان کردستان ، به زیست محیطی کردستان لطمات فراوانی وارد ساخته‌است . جمع شدن کوه

های اشغال در اطراف شهرهای کردنشین، صادرات مواد خوراکی از ترکیه و ایران به جنوب کردستان که تاریخ مصرفشان تمام شده و سمی هستند، منحرف کردن آب تالاب ها و جوی ها و رودخانه‌های کوچک با اهداف شوینستی همگی زنجیره‌ای از فاکتورها بوده که، محیط زیست کردستان را نابود می‌سازند. جمهوری اسلامی ایران رودخانه‌ای را از مسیر اصلی خویش، که با اکوسیستم محل عبورش و در طول دوران های زمین شناسی و قرن ها سازگاری یافته منحرف کرده و به دریاچه‌ی زریوار (زریبار) مریوان وارد ساخته‌اند. این رودخانه در آینده دهانه‌های چشمه های درونی دریاچه را با شن و ماسه‌ی که باخود حمل میکند، پر کرده و به یقین دریاچه را از سرچشمه اصلی یعنی چشمه‌های درونی دریاچه که بطور دایم به درون دریاچه در حال فوران هستند محروم خواهد ساخت و یک تراژدی اسف بار زیست محیطی را باعث می‌گردد. و بعید نیست دریاچه‌ی زریوار بکلی خشک گردد و تنها جایگاهی در آرشیو نقشه‌های جغرافیائی پیدا کند. مصرف بی حد و مرز مواد شیمیائی و پتروشیمی، جنگ های تحمیلی، جوانب منفی تکنولوژی مدرن، شکار حیوانات و ماهی بدون داشتن مجوز، نداشتن آگاهی لازم در زمینه‌ی زیست محیطی و پالایش نفت خام با شیوه‌های کهن و کلاسیک در مناطق نفت خیز کردستان، سوزاندن جنگل ها و عوارض جانبی آن کوچ حیوانات و پرندگان و ایجاد زمینه‌های مناسب برای ایجاد مناطق کویری و شن زار ... جملگی در داغان کردن و ویران کردن اکولوژی و محیط زیست کردستان نقش بازدارنده و منفی دارند. شیوه‌ی استفاده از بخاری های چوبی در پاره‌ای از مناطق کردستان که ساکنینش از انرژی نفت و گاز محروم شده‌اند، قابل کنترل نبوده و بر دامنه‌ی قطع درختان جنگل افزوده و در همین رهگذر پوشش جنگلی را در پروسه‌ای نه چندان کند، نابود می‌سازد.

* زمینه‌ها و بستر شروع و تحمیل جنگ آب و انرژی از طرف اشغالگران بر شهروندان کردستان مهیا و فراهم گردیده‌است. لذا بهترین انتخاب تنها تشکیل ارگان ها و شوراهای مردمی است. ایجاد شیوه‌ای از دولت داری در کردستان میتواند به این جنگ تحمیلی و شرایط اسفبار تاریخی و تراژدیها خاتمه‌دهد و زنجیرها را پاره‌کند. اتحاد جماهیر شوروی، چکسلواکیا و یوگوسلاویا قواره‌ی جغرافیائی قدیم را از دست داده و اکنون دولت های گوناگون را بوجود آورده‌اند. مابین سالهای ۱۹۰۷ تا ۲۰۰۰ میلادی ۱۷۷ کشور جدید تاسیس گردیده‌است. مرزها نمیتوانند تنها خاک باشند بلکه میتوانند کلتور، موسیقی، لباس و هویت نیز باشند. می باید برای ارزش های عمومی، که به فرد و خانواده و احزاب تعلق نداشته و فقط به شهروند تعلق دارد، بهای گزافی پرداخت. سیاست کارتل‌های نفتی با همکاری حکومت های توتالیتر در خاورمیانه مخوف و وحشتناک بوده و، اکنون کالای نفت را بعنوان اسلحه‌ای سیاسی برسمیت نشناخته و فقط بعنوان کالائی اقتصادی به آن می نگرند. لذا خرید نفت خام خاورمیانه در اختیار دنیای صنعتی و غرب قرار داشته و حتی گزینه های دیگری از انرژی را کشف و جایگزین خواهند کرد. و با سرعتی که نفت خام استخراج می‌گردد، چاه ها خالی شده و در آینده‌ای نه چندان دور نفت خامی وجود نخواهد داشت. سرعت استخراج نفت خام و فروش ماهی های درون سدها و انرژی برق و انتقال آب سدها، همزمان ویران کردن محیط زیست در پهنه‌ی کردستان با سیاست های شوینستی و اشغالگرانه همسو بوده و تنها مردم کردستان در این پروسه بازنده و ضرر خواهند کرد.

20180703